

زن ایرانی و فعالیت سیاسی

نگاهی به نقش زنان در مشروطیت

منیژه اباذری - ابهر

۱- زن در جامعه

«زن» در جاری زندگی چنان ساده و بی‌غوغا در تکاپوست، که انگار چون ذرات هوا حجم زندگی را بی‌آن‌که پیدا باشد، پر کرده است. اما همین «نیمه‌ی پنهان» جامعه در بزنگاه‌های زمان چنان به خروش آمده، اوج می‌گیرد که حضورش نه فقط به خوبی به چشم می‌آید که در نمایان‌ترین شکل ثبت و ضبط می‌شود. نمونه‌ی بارز آن حضور زن ایرانی در خیزش‌ها و جنبش‌های یک سده‌ی گذشته است. هرچند بسیاری، ریشه‌های جنبش معاصر زنان را تا اعتراض به امتیاز تنباکو می‌کشاند، اما مشارکت زنان در انقلاب مشروطیت نقطه‌ی عطفی برای حضور آن‌ها در جریان‌ها و حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آید.

در این نوشتار حضور و نقش زنان در اعتراض و مبارزه برای مشروطه‌خواهی، تأسیس مجلس تا به توپ بستن مجلس و سپس استقرار دوباره‌ی نظام پارلمانی و فضای تفکر حاکم بر مشروطه‌خواهان و مجلس از طیف‌های فکری متفاوت در ارتباط با مسأله‌ی زن و حقوق زنان مورد بررسی و امعان نظر قرار گرفته است.

۲- نقش زنان در انقلاب مشروطیت تا پیروزی

در جریان اعتراض و مبارزه‌ی مردم علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی،

زنان نیز دوش به دوش مردان حضوری فعالانه داشتند. زمانی که اعتراض‌ها و مخالفت‌ها با دولت آغاز شد و مردم در مسجد شاه تهران بست نشستند، زنان هم مسؤولیت‌هایی را برعهده داشتند. آنان ضمن همراهی با مردان در آوردن علما به مسجد جهت سخنرانی، مسؤولیت حفظ جان آن‌ها را هم برعهده داشتند. در جریان اعتراض‌های عمومی مردم نسبت به عکس نوز بلژیکی در لباس روحانیت، زنان فعالانه حضور داشتند. زنان در حمایت از بست‌نشینان در حرم عبدالعظیم، سربازان را سنگ‌باران کرده و در هجوم مردم به ساختمان در حال ساخت بانک استقراضی روسیه، زنان یک سوم جمعیت را تشکیل می‌دادند.

زنان در یورش به سربازخانه‌ی بی‌کشمیر، شیخ محمد واعظ در آن زندانی بود، وی را از زندان رها می‌کنند. پس از کوچ علما به قم و اعتصاب بازاری و تحصن در سفارت‌خانه‌ها بویژه سفارت انگلیس، زنان در این حرکت نیز تصمیم به مشارکت گرفتند و شایعه‌ی قصد اعتراض زنان با چادزدن در خیابان منتهی به سفارت‌خانه بالا گرفت.

براساس اسناد و مدارک موجود، زنان در جریان انقلاب مشروطیت علاوه بر حضور مستقیم خود، مشوق مردان نیز بودند. حتی از ایثار مساعدت‌های مالی در راه پیشبرد اهداف انقلاب دریغ نداشتند. چنان‌که به هنگام تحصن در سفارت

انگلیس، زنی ناشناس به سفارت‌خانه مراجعه کرده و دسته‌پولی می‌دهد تا خرج بست‌نشینان شود.

با این وصف، نمی‌توان خیزش زنان را از آغاز هدفمند و سازمان‌یافته پنداشت. مشارکت توده‌ی زنان در جریان مشروطه بیش از آن‌که منافع صنفی آنان را پیگیری کند، به دنبال تحقق هدف عمومی چون رفع ظلم و ستم مضاعفی بود که نظام استبدادی بر عامه‌ی مردم روا می‌داشت. اساساً شرایط اجتماعی و فرهنگی آن روز که جلوه‌ی آشکار آن جهل و بی‌خبری، بی‌سوادی و خرافه‌پرستی بود، ایجاب نمی‌کرد که عموم زنان نسبت به جایگاه و موقعیت خود، آگاهی یافته و حقوق خود را بشناسند و مطالبه کنند.

البته زنانی که امکان تحصیل یافته و با افکار و اندیشه‌های نو آشنا شده بودند، در سایه‌ی فضای ایجاد شده برای طرح مسایل و معضلات زنان تلاش می‌کردند، اما این حرکت‌ها به دلیل نداشتن پشتوانه‌ی مردمی و حاکمیتی، تأثیر و موفقیت چندانی نداشت.

۳- نقش زنان پس از پیروزی

انقلاب مشروطیت

۱-۳- مشارکت در تأسیس بانک ملی

پس از آن‌که فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین‌شاه صادر شد، مجلس و نمایندگان ملت با مشکلاتی مواجه شدند.

از جمله‌ی این مشکلات، ناتوانی مالی دولت در اداره‌ی امور جاری و هزینه‌ی نهادها و اداره‌ها بود که برای فائق آمدن بر آن دولت تصمیم به استقراض بیست کرور - ده میلیون - تومان، از دولت‌های روسیه و انگلیس گرفت. لذا برای محقق شدن این کار هم‌داستانی مجلس را خواستار بود. نمایندگان در اقدامی کم‌نظیر با این کار دولت مخالفت کرده و صراحتاً اعلام داشتند: «توده نمی‌تواند خانه و لانه‌ی خود را نزد بیگانگان گرو گزارد، چرا که امیربهادر جنگ و فلان و زیر و فلان دبیر پول می‌خواهد.»

۳-۲- تلاش در جهت استحکام نظام پارلمانی

نمایندگان مجلس دوره‌ی اول پس از مخالفت با گرفتن وام از کشورهای بیگانه، تصمیم به تأسیس بانک ملی با پشتوانه‌ی سرمایه‌ی مالی مردم گرفتند. هر کسی از پنج تومان تا پنجاه هزار تومان سهم می‌توانست داشته باشد. توانگران و کم‌چیزان به سهم خود در این اقدام ملی مشارکت کردند. افرادی برای تهیه‌ی پول، کتاب‌های خود را فروختند. زنان از فروش گوشواره و گردنبند و دیگر زیورات خود دریغ نکردند. حتی زنی به‌هنگام سخنرانی سید جمال واعظ در مسجد به پا خاست و گفت: «دولت ایران چرا از خارجه قرض می‌کند. مگر ما مرده‌ایم؟ من یک زن رختشوی هستم. به سهم خود یک تومان می‌دهم. دیگر زن‌ها نیز حاضرند.»

گرچه ایده‌ی تأسیس بانک ملی به دلیل فقدان سرمایه‌ی لازم عملی نشد، اما همبستگی ملی ایرانی را در صیانت از منافع ملی به نمایش گذاشت.

پس از اعطای فرمان مشروطه و تصویب قانون اساسی، عده‌یی از زنان در بهارستان گرد آمده، خواستار تدوین و تصویب متمم قانون اساسی، برای رفع کاستی‌ها و ابهام‌های قانون اساسی شدند. «اتحادیه‌ی غیبی نسوان» طی پیامی از نمایندگان مجلس خواست، هرچه سریع‌تر متمم قانون اساسی را تدوین کرده و به اوضاع نابسامان کشور پایان دهند و اگر توان این کار را ندارند، استعفا داده، کار کشور را به دست زنان بسپارند.

در این مرحله از انقلاب مشروطیت، زنان نسبت به ناکارآمدی نمایندگان مجلس و هیأت دولت برای پایان دادن به کارهای وحشیانه‌ی مخالفان مشروطه در آذربایجان و مقابله با تجاوزهای عثمانی به خاک ایران اعتراض می‌کنند. تصمیم محمدعلی‌شاه برای انحلال مجلس، موجب راهپیمایی زنان در مقابل مجلس می‌شود. زمانی که به دستور محمدعلی‌شاه، نهاد نوپای مجلس که نماد مردم‌سالاری بود، به توپ بسته شد، تنها زنان شهامت برداشتن پیکر جوانان مجاهد را از زمین داشتند. وقتی که مشروطه‌خواهان از ترس زندان و کشته‌شدن پنهان شده بودند، خانه‌ی عمه‌ی میرزا جهانگیرخان شیرازی (مدیر روزنامه‌ی **صور اسرافیل**) پایگاهی مطمئن و امن برای محافل مشروطه‌خواه بود و انجمن‌های سری در آن خانه تشکیل می‌شد.

با آغاز استبداد صغیر - از به توپ بستن مجلس تا فتح تهران - زنان پرشورتر از پیش به مقابله برخاستند و در این دوره انجمن‌های سری زنان در مبارزه با استبداد به همیاری و همکاری با دیگر انجمن‌ها پرداختند.

۳-۳- شرکت زنان در مبارزه‌ی نظامی و مسلحانه

منابع و ماخذ مربوط به تاریخ مشروطیت شرکت زنان به صورت مستقیم و حضوری را در صحنه‌های نبرد تأیید می‌کنند؛ گرچه از گستره و میزان مشارکت زنان در مبارزه‌ی مسلحانه آگاهی‌های چندانی در دست نیست. چون به خاطر شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران در آن دوره که گم‌نامی و پوشیده‌نامی زنان علاوه بر پوشیده روی‌شان فضیلت شمرده می‌شد، زنان برای حضور در مبارزه‌ی مسلحانه در بیش‌تر مواقع ناچار بودند که در کسوت مردان ظاهر شوند و زمانی که کشته یا مجروح می‌شدند، هویت‌شان هویدا می‌گشت.

حضور زنان چنان بود که از نبرد و جان باختن باکی نداشتند. چنان‌که در تصرف رشت، عذرا کردستانی و لیلا که با لباس مردانه در صف مشروطه‌خواهان نبرد می‌کردند، جان باختند. بنابه گزارش روزنامه‌ی **حبل‌المتین** در یکی از نبردها به رهبری ستارخان پیکر بیست زن مشروطه‌خواه در لباس مردانه پیدا می‌شود. در جریان محاصره‌ی تبریز به‌وسیله‌ی حامیان استبداد، سربازان زن برای دفاع از شهر به رزمندگان مرد می‌پیوندند. «انجمن تبریز» در این زمینه نقش زنان را چنین شرح می‌دهد: «گزارش‌های موثق حاکی است که در جریان جنگ، زنان رزمنده که خود را به صورت مردان درآورده بودند، در یکی از بخش‌های مهم شهر جنگیدند. اینان که در تیراندازی مهارت داشتند، به درون نیروهای دشمن رخنه کردند و سرب مذاب بر روی آن‌ها ریختند.»

علاوه بر این، زنان کشاورز در روستاهای کوچک آذربایجان در حالی که نوزدان خود را بر پشت خویش بسته بودند، سلاح برداشتند و دوش به دوش مردان جنگیدند. مؤلف کتاب تاریخ بیداری ایرانیان می‌نویسد: «زنان آذربایجان قطار فشنگی می‌بندند و با حالت محزون بچه‌ی خود را شیر می‌دهند، مانند نره‌شیران در میدان جنگ می‌کوشند که دست بی‌ناموسی به آنان دراز نشود.»

لازم به یادآوری است گرچه زنان در میدان مبارزه با لباس مردانه حضور داشتند، لیکن این تنها شکل حضور آنها نبود و شواهدی از حضور زنان با پوشش زنانه نیز در دست است. از جمله عکسی از یکی از سنگرهای تبریز که یک دسته‌ی شصت نفری از زنان چادر به سر ایرانی و مسلح را نشان می‌داد.

به هنگام محاصره‌ی تبریز، زنان کارهایی را در پشت جبهه انجام می‌دادند، از جمله: پختن غذا برای مجاهدان، دوختن لباس و بافتن جوراب، پرکردن پوکه‌های خالی فشنگ، رساندن غذا و خبر از سنگری به سنگر دیگر، پخش شب‌نامه‌ها، پرستاری از مجروحان.

«ماهرو»، «نازلی» و «تحفه» سه زن پرستاری بودند که با لباس مردانه در سنگرها حضور می‌یافتند. شاید آنان نخستین پرستار زن ایرانی هستند که در انقلاب مشروطیت شرکت داشتند.

زمانی که مشروطیت در گیلان، آذربایجان و اصفهان دوباره جوانه زد و بالید، زنان تهران نیز مردم را به مبارزه‌ی مسلحانه دعوت کردند و گروهی از زنان که مسلح به سلاح گرم بودند، در کوچه‌های تهران به حرکت درآمدند و آشکارا به شاه ناسزا می‌گفتند.

۴- سهم زنان پس از پیروزی انقلاب مشروطه

پس از پیروزی مبارزه‌های مردمی و بازگشایی مجلس، زنان فضا را برای ورود و حضور بیش‌تر خود به عرصه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آماده دیدند و تلاش نمودند تا از مجاری قانونی فعالیت‌های خود را عملی کنند. لیکن به راستی فرهنگ سنتی حاکم بر جامعه و نگرش‌های مبتنی بر تبعیض جنسیتی دگرگون نشده بود و آنان با موانع و مشکلات فراوانی مواجه بودند، اما هرگز دل‌سرد نشدند و گوشه‌ی عزلت نگزیدند و برای عملی شدن مطالبات خود، علی‌رغم روند بطئی و کند و هزینه‌بر بودن آن پافشاری کردند.

۴-۱- حق رأی زنان

علی‌رغم مشارکت زنان در انقلاب مشروطه، وارثان انقلاب از تعمیم پیامدهای آن به زنان خودداری کردند. براساس ماده چهار نظام‌نامه‌ی انتخابات، زنان در کنار متکدیان، کودکان، قاتلان، سارقان و مجبورین (دیوانگان)، صغار و سقیهان قرار گرفتند و از حق رأی محروم شدند. هم‌چنین بر اساس ماده‌ی هفت

حق انتخاب‌شدن هم نداشتند.

زنان از این شیوه‌ی برخورد با آنان ناراضی بودند و از راه‌های گوناگون مخالفت خود را به گوش تصمیم‌گیرندگان می‌رساندند و خواستار اصلاحاتی در این زمینه بودند.

سرانجام در ۱۲ مرداد ۱۲۹۰ ه.ش. محمدتقی وکیل‌الرعا یا نماینده‌ی همدان در مجلس دوم به خواست زنان، مسأله‌ی حق رأی زنان را در مجلس مطرح کرد و از مخالفان دلیل خواست.

در پاسخ او ذکاءالملک ضمن تأیید حقوق زنان، حق رأی را برای زنان زودهنگام دانست. سید حسن مدرس ضمن انتقاد به نظام‌نامه که زنان را در ردیف دیوانگان و سارقان قرار داده بود، مهم‌ترین دلیل را آیه‌ی از قرآن دانست که براساس آن زنان تحت سرپرستی مردان هستند. پس حق انتخاب ندارند و دیگران باید از حقوق آنان محافظت کنند. بدین ترتیب با مخالفت گرایش‌های سیاسی مختلف در مجلس، زنان کماکان از حق رأی محروم ماندند. البته در خارج از مجلس نیز اقدام عملی برای تحقق آن صورت نمی‌گرفت. سرانجام بر اثر پافشاری زنان در احقاق حقوق خود و



این که آن‌ها هم به‌عنوان انسان حق دخالت در سرنوشت خویش را دارند، زمانی که دولت ملی مصدق در مرداد ۱۳۳۲ ه.ش. برای انحلال مجلس هفدهم به افکار عمومی روی آورد و رفیراندوم (همه‌پرسی) برگزار کرد، زنان ایرانی برای نخستین بار در انتخابات شرکت کردند.

۴-۲- درخواست مشروعیت تشکل‌های سیاسی

زنان از نمایندگان مجلس برای دادن مجوز برای انجمن‌ها و تشکل‌های خاص خود یاری خواستند. در سال ۱۲۸۶ ه.ش یکی از نمایندگان بلیطی را به مجلس ارایه کرد که نام «انجمن نسوان» روی آن نوشته شده بود. این نماینده این پرسش را طرح کرد که آیا تشکیل چنین انجمنی منطبق با قانون شرع است؟

شماری از نمایندگان از بحث درباره‌ی این موضوع خودداری کردند و گفتند این‌ها مسائلی نیست که قابل طرح در مجلس باشد و وزارت کشور باید دخالت کند و انجمن‌های زنان را ببندد. بعضی از نمایندگان معتقد بودند اصل اجتماع شرعاً ضرری ندارد. اما ممکن است اشخاص مفسد و مغرض به‌واسطه‌ی آن‌ها بعضی فسادها کنند، پس باید جلوگیری کرد و اجازه‌ی فعالیت نداد.

گروهی از نمایندگان نسبت به درخواست زنان حمایتی احتیاط‌آمیز به عمل آوردند. وکیل‌الرعیایا نماینده‌ی همدان گفت اگر شماری از زنان، سازمانی پدید آورند و از یک‌دیگر چیزی بیاموزند، این امر چه خطری برای کشور دارد؟ از نظر او این انجمن‌ها تا زمانی که علیه دین و کشور سخن نگویند با قانون

اسلام مغایرتی ندارند. تقی‌زاده نماینده‌ی تبریز هم عنوان کرد «هیچ منع شرعی در تشکیل انجمن‌های زنان وجود ندارد. سرانجام نمایندگان مجلس، تشکیل انجمن‌ها و سازمان‌های زنان را مغایر با اسلام تلقی نکردند، بلکه پذیرفتند انجمن‌های زنان تأسیس و گسترش یابند؛ بدون آن‌که از کمک مالی یا حمایت قانونی برخوردار باشند. البته در آن شرایط این خود گام بلندی بود که به سود زنان برداشته شد.

۵- تأسیس مدارس دخترانه

پس از گشایش مجلس زنان نوگرا برای تأسیس مدارس دخترانه و آموزش زنان ایرانی تلاش کردند. آن‌ها به منظور آماده‌کردن افکار عمومی و برخورداری از حمایت مشروطه‌خواهان به انتشار مقاله‌هایی در روزنامه‌ها پرداختند. در این زمینه هم گرایش‌های گوناگون وجود داشت. برخی آموزش زنان را از زاویه‌ی منافع ملی مطرح می‌کردند، گروهی آن را حق انسانی زنان جدا از نقش‌های مادری و همسری او تلقی می‌کردند.

در میان مشروطه‌خواهان نگرش‌های متفاوت و گاه متضادی وجود داشت. برخی این امر را واجب دانسته و اجباری شدن آموزش بدون محدودیتی در مواد آموزشی را پیشنهاد می‌کردند. عده‌ی «آموزش زنان را محدود به کودک‌آوری و کودک‌پروری و خانه‌داری و حراست از شرف و معیشت خانواده» دانسته و مشارکت زنان در حوزه‌هایی چون «امور سیاسی و علوم پلیتیکی» را ضروری نمی‌دانستند. گروهی از سنت‌گرایان هم به طور کلی، با تأسیس مدارس دخترانه مخالف بودند.

زنان بدون حمایت‌های مالی و قانونی به تأسیس و اداره‌ی مدارس دخترانه پرداختند و علی‌رغم مخالفت‌ها و مشکلات مالی در توسعه و گسترش این‌گونه مدارس تلاش کردند. هرچند تعداد اولیه‌ی دانش‌آموزان دختر کم بود، ولی با گذشت زمان، بر تعداد دانش‌آموزان دختر و مدارس دخترانه افزوده شد. زنان به‌وسیله‌ی این مدارس و روزنامه‌هایی که منتشر کردند، دیدگاه‌های خود را بیان نمودند.

۶- نتیجه

زنان ایرانی از مشروطیت تا امروز هم‌چنان نستوه و فعال، پویا و امیدوار برای تحقق آرمان‌های خویش و تغییر نگرش جامعه نسبت به پذیرش توانمندی‌ها و حقوق‌شان کوشش کرده و می‌کنند. اراده و عزم آنان در این راه سنگلاخ و دشوار، به راستی مصداق این شعر «سایه» است:

به سان رود

که در نشیب دره، سر به سنگ می‌زند

رونده باش

امید هیچ معجزی ز مرده نیست

زنده باش. ■

منابع

- ۱- انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه، ژانت آفاری، ترجمه جواد یوسفیان، چ اول، نشر بانو.
- ۲- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، چ اول، صدای معاصر.
- ۳- اختناق ایران، مورگان شوستر، ترجمه ابوالحسن شوشتری، چ ۲، صفی‌علی‌شاه.
- ۴- زنان ایران در جنبش مشروطه، عبدالحسین ناهید، احیاء.
- ۵- تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی، به اهتمام سعیدی سیرجانی، انتشارات آگاه.